

یادداشت
رضا مقصودی؛ نویسنده فیلمنامه «لیلی یا من است»

نگذاریم فیلمنامه‌های دفاع مقدس خاک بخورد

کار کردن در زمینه سینمای دفاع مقدس را خیلی دوست دارم و تعداد زیادی فیلمنامه و طرح در این زمینه تهیه کرده‌ام که متأسفانه بخش خصوصی وارد سرمایه‌گذاری در آن نمی‌شود.

مدت‌هاست از من می‌پرسند چرا سراغ فیلمنامه‌هایی با مضمون جنگ تحمیلی نرفته‌ام، اما مسئولانی که باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند مدتی است پیگیر چنین فیلمنامه‌های دفاع مقدسی نیستند؛ در واقع یک سری موانع و مشکلات سبب می‌شود فیلم و فیلمنامه دفاع مقدسی خوب نداشته باشیم.

یکی از مشکلات نوع تفکر تصمیم‌گیران این حوزه است که فکر می‌کنند فیلمساز و فیلمنامه‌نویس، میرزابنویس هستند؛ یعنی می‌خواهند فیلمنامه‌ای که به طور دقیق از فیلتر فکری آنها عبور کند، نوشته شود. می‌گویند فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان باید ۱۰۰درصد مثل ما فکر کنند و خروجی دقیقاً همانی باشد که ما فکر می‌کنیم؛ اما پیش آمده فیلمسازی که در این مملکت بزرگ شده و بچه همین انقلاب بوده، در برخی موارد به شکل متفاوتی از تصمیم‌گیران فکر کند. هرچند اگر این فیلمسازان صد درصد مثل این تصمیم‌گیران فکر نکنند، باید اجازه دهیم ببیناند و کارشان را انجام دهند.

بعضی نهادهایی که در بخش فیلم‌های دفاع مقدس حاضرند، خیلی بسته عمل می‌کنند و منعطف نیستند. من فیلمنامه‌ای درباره شهید همت دیدم که بر سرِ ما از فیلمنامه برداشت دیگری داشتند؛ اما فیلمنامه‌نویس آدم توانا و صاحب فکری است و در کارهای خود نشان داده که در سینمای ایران فردی قابل اعتماد است. این فیلمنامه‌نویس ۷۰ درصد حرف تصمیم‌گیران را می‌زند و ۳۰ درصد هم مربوط به ایده‌ها و خلاقیت‌های خودش برای بسط و گسترش داستان است.

باید اجازه دهیم او حرف خودش را بزند و این بسته بودن فکر خیلی بد است. اجازه دهیم افراد امتحان پس داده حرف‌شان را بزنند. همچنین انبوهی فیلمنامه از فیلمنامه‌نویسان دیگر خواندم که فیلمنامه‌های خوبی در زمینه جنگ تحمیلی هستند، اما در کشوا خاک می‌خورند. خود هم ایده و فکریایی دارم. اخیراً فیلمنامه‌ای ارائه دادم که قبول نکردند؛ چون ضد قهرمان فیلم را در جبهه در میان رزمندگان طراحی کرده بودم که اشتباه می‌کند، اما آنها نپذیرفتند و اعتقاد داشتند تمام افراد جبهه و جنگ، قهرمان و انسان‌هایی خوب بودند. این‌که انسان ممکن است اشتباه کند، در گوش کسی فرو نمی‌رود... از زاویه فیلمسازی هم، در حال حاضر شرایط کار نسبت به گذشته خیلی متفاوت شده است. در گذشته بسیاری از کارهایی که الان در سینما به شکل تخصصی انجام می‌شود را خودمان به تنهایی انجام می‌دادیم. در مقایسه با زمان گذشته و حال، یادم می‌آید که آقای تبریزی فیلم «عبور» را می‌ساخت و من دستیار کارگردان، برنامه‌ریز و طراح صحنه‌اش بودم و این گونه کار می‌کردیم که وقتی کسی جایی در کار با مشکل روبه‌رو می‌شد، همه تیم فیلمسازی وارد می‌شدیم تا آن مشکل حل شود و با یکدیگر همکاری متقابل داشتیم. به عنوان مثال، وقتی قرار بود تراولینگ بچینیم، خود فیلمبردار تمام این کارها را انجام می‌داد. الان برای انجام این کار یک نفر پول جدا می‌گیرد تا تراولینگ بچیند یا کارهای دیگری انجام دهد و به عبارتی برای کار خط‌کشی ایجاد شده است.

بنابراین، امروز شرایط تولید فرق کرده، چون جامعه تغییر کرده است. زمان جنگ وقتی فیلم عبور را کار می‌کردیم، یک روز آقای تبریزی گفت برویم در منطقه جنگی فیلمبرداری کنیم و در پنج کیلومتری ما خط مقدم بود و الان که فکر می‌کنم می‌گویم چگونه چنین کاری را ما انجام می‌دادیم؟! این کارها بر اساس شرایط متفاوت آن زمان عجیب و غریب بود.

پس از انتخاب فیلم «در آغوش درخت» برای معرفی به آکادمی اسکار محمد رضا مصباح، تهیه‌کننده درباره شرایط این فیلم برای رقابت با فیلم‌های دیگری بیان کرد؛ در چند روز آینده با سهامداران فیلم جلسه خواهیم داشت و ممکن است در صورت لزوم تغییراتی در بخش فنی و هم در تدوین داشته باشیم که در این زمینه باید بررسی‌هایی صورت گیرد تا فیلم به استانداردهای اسکار نزدیک‌تر شود. وی همچنین درباره آماده‌شدن فیلم در آغوش درخت برای

«در آغوش درخت» به دنبال پخش‌کننده جهانی

پخش‌کننده خارجی برنامه‌ریزی کند. لازم به ذکر است این فیلم علاوه بر اکران خود در کشور کانادا تاکنون در دو رویداد سینمایی جشنواره فیلم کودک شارجه و جشنواره فیلم سماع در کشور سوئد به نمایش درآمده است. در آغوش درخت به کارگردانی و نویسندگی بابک خواجه‌پاشا در بهمن ۱۴۰۱ در چهل و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر اکران شد و مارال بنی‌آدم، جواد قاضی و روح... زمانی در آن بازی می‌کنند.



فیلم «شه‌سوار» تلاش می‌کند با شوخی به مسأله تراژیک مرگ پیردازد و نگاهی امیدبخش برای زندگی افراد ترسیم کند

واقعیت این است که من این‌طور به سینما نگاه نمی‌کنم. سینما برای من یک کار دلی است و به این نگاه نمی‌کنم که فیلمم شبیه به چیست؟ اگر شباهتی هم وجود داشته باشد به فیلم خودم شبیه است و بخشی از این شباهت هم به سبکی است که من دوست دارم کار کنم. من همیشه سعی می‌کنم یک موضوع جدی که معضل اجتماعی است و اساساً یک مفهوم تلخ دارد را در بستری شیرین بیان کنم و شاید یکی از دلایلی که گفته می‌شود دو فیلم شادروان و شه‌سوار شبیه به هم هستند، ناشی از سبک کاری من باشد. شاید اگر قرار شد که فیلم بعدی‌ام را بسازم ممکن است این شباهت‌ها محو شود، چراکه عمدی در این کار نبوده است. به‌هرحال شباهت‌هایی وجود دارد، زیرا من فیلم جدیدم را به سبک فیلم قبلی‌ام ساختم، نه به‌سبک باشم از فیلم خودم این‌گرفته‌برداری هم‌کرده

باشم از فیلم خودم این‌گرفته‌برداری اتفاق افتاده است. جغرافیای این دو فیلم یکی است. بیش‌تر هم این نکته را گفتم، خانه‌ای که داستان شه‌سوار در آن روایت می‌شود فیلم‌هایش بهره می‌برد. این شوخی‌ها حاصل خلق موقعیت‌هایی کمدی است که هریک از ما شاید در آن قرار گرفته باشیم یا برای‌مان آشنا باشد. شباهت‌های دو فیلم شه‌سوار و شادروان را علاوه بر روایت داستان و مفاهیمی مانند عشق (زندگی)، مرگ، خانواده و شخصیت‌پردازی می‌توان در لوکیشن‌ها مشاهده کرد. به همین بهانه در روزنامه

جام‌جم با حسین نمازی، نویسنده و کارگردان شه‌سوار به گفت‌وگو پرداختیم تا به ریشه‌یابی این شباهت‌ها بپردازیم. به اعتقاد او، این شباهت‌ها ناشی از تجربه زیسته خودش است و فیلم در دام تکرار نیفتاده.

برش

نمی‌توانم فیلم خلوت بسازم

من با بدبختی سینما را شروع کردم و به‌شدت عاشق آن بودم، طوری که پدر و مادرم به حال من گریه می‌کردند. سینما را به‌صورت خودآموز یاد گرفتم. از ساخت فیلم کوتاه شروع کردم و راه‌درازی آمدم. می‌توانم بگویم بچه سینما هستم و هیچ چیز در این دنیا برای من بااهمیت‌تر از سینما نبوده است. پس سینما مال ماست و باید مراقب آن باشیم. من دنبال این هستم که رو به جلو بروم و منتقدان و شما باید در این رابطه قضاوت کنید. من این ویژگی را دارم که نمی‌توانم فیلم خلوت بسازم و از شخصیت‌های زیادی استفاده می‌کنم که همه آنها قصه دارند. برای همین به نظر خودم، شه‌سوار بهترین فیلم من تاکنون است و باید بگویم برای فیلم هم تحقیقات گسترده‌ای انجام دادم.

سینما حقیقت

«میهمان آزادی» به پایان رسید

ساخت فیلم مستند «میهمان آزادی» در برج آزادی به پایان رسید. این فیلم مستند برشی از زندگی محمدعلی جدیدالاسلام، عکاس و مجموعه‌دار پیشکسوت تبریزی است که براساس طرحی از رضا استادی به صورت مشترک توسط استادی و رضا حیدری در فاصله بهمن ۱۴۰۱ تا مرداد ۱۴۰۳ در تهران و تبریز مقابل دوربین رفته است. این فیلم به موضوع برپایی موزه دوربین‌های محمدعلی جدیدالاسلام در برج آزادی می‌پردازد، جایی که از اسفند ۱۳۹۹ میزبان بیش از ۱۵۰۰ دوربین این هنرمند تبریزی است. شخصیت خاص جدیدالاسلام و ارتباط ساده و صمیمی او با مردم و بازدیدکنندگان این موزه اتفاق‌های جالبی را رقم می‌زند که بخشی از این رخدادها در کنار چند موضوع و مسأله شخصی این هنرمند در این فیلم به تصویر کشیده شده است. لازم به ذکر است محمدعلی جدیدالاسلام با دارا بودن بیش از ۱۵۰۰ دوربین عکاسی به‌عنوان بزرگ‌ترین مجموعه‌دار دوربین‌های عکاسی در ایران شناخته می‌شود. همچنین وی علاوه بر مجموعه دوربین عکاسی مجموعه‌ای از عکس‌های دوران قاجار را نیز در اختیار دارد. گفتنی است مستند میهمان آزادی متقاضی جشنواره سینما حقیقت ۱۴۰۳ است.



نمایش

آغاز اکران آنلاین «مصائب شیرین ۲»

فیلم سینمایی «مصائب شیرین ۲» به کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی علیرضا داوودنژاد سوم مهر ۱۴۰۳ راهی اکران آنلاین می‌شود. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «این فیلم داستان دختری را روایت می‌کند که برای تولد ۱۸ سالگی خود، پدر و مادرش را به جایی ناشناخت دعوت می‌کند.

پدر و مادر برای رسیدن به آنجا سفری را از منجسترس به لندن آغاز می‌کنند. در این سفر آنها زندگی گذشته خود را مرور می‌کنند.» زندیاد رضا داوودنژاد، ترلان پروانه، همایون کاظمی، سارا لوتیز جیبیانی، یلدا محمودی پور، مونا، زهرا، علی و محمد رضا داوودنژاد و خانواده‌های حبییبیان و سعادت رضایی بازیگران این فیلم سینمایی هستند که به‌تازگی در سینماهای کشور روی پرده رفته بود.

این فیلم در حالی به نمایش درمی‌آید که رضا داوودنژاد فرزند علیرضا داوودنژاد کارگردان مصائب شیرین ۲ چندی پیش درگذشت و این فیلم تجدیدی خاطره‌ای با این بازیگر نیز محسوب می‌شود.

گفتنی است قسمت اول فیلم مصائب شیرین پیش از این به نویسندگی و کارگردانی علیرضا داوودنژاد سال ۱۳۷۷ تولید و اکران شده بود.



هستند و بنشینند مرگی شیرین و باحال را ببینند. آیا این کمک نمی‌کند که امید به زندگی در این افراد بیشتر شود؟ همیشه ترس از مرگ چیزی است که خوشی‌های آدمی را تلخ می‌کند، در صورتی‌که من می‌گویم چرا باید این‌شکلی باشد، چرا نمی‌توان مرگ را خیلی شیرین‌تر روایت کرد؟ البته درباره مرگ باید بگویم مثلاً مرگ یک آتش‌نشان برای من از نظر انسانی و به‌عنوان کسی که با مرگ خودش جان‌های بسیاری را نجات می‌دهد از نظر انسانی و سینمایی خیلی جذاب است، ولی در نهایت مگر چند نفر چنین مرگی را تجربه می‌کنند یا حتی خواستار چنین مرگی هستند؟ اما وقتی در یک فیلم، نگاهی طنزانه به مسأله مرگ داشته باشید خودبه‌خود باعث می‌شود که این ترس از مرگ حداقل هنگام تماشای فیلم کمتر شود.

۴] یکی از ویژگی‌های جالب فیلم‌های شما شباهت کاراکترهای دو فیلم شادروان و شه‌سوار مخصوصاً نقش اول هر دو فیلم است. آیا این شخصیت‌ها مابه‌ازای خارجی دارند؟

تقریباً تمام شخصیت‌هایی که خلق می‌کنم دارای یک مابه‌ازایی هستند. البته طبیعی است که تغییراتی در این شخصیت‌ها ایجاد کرده‌ام. منتها شباهت آنها در این دو فیلم از روی عمد نبوده، صرفاً به این دلیل است که موقع ساخت شادروان تصور می‌کردم که اگر چنین داستانی را در موقعیت عروسی می‌ساختم هم فیلم خوبی از کار درمی‌آمد؟ یعنی برای من یک چیز شخصی بود و عمدی در آن وجود نداشت. نکته‌ای که وجود دارد این است که من به فیلم سینمایی هم مانند فیلم کوتاه نگاه می‌کنم و بدون در نظر گرفتن خیلی از موارد وارد کار تولید می‌شوم و خیلی سخت نمی‌گیرم. به عبارت دیگر، فرآیند تولید یک فیلم بلند برای من تفاوتی با تولید یک اثر کوتاه ندارد. به همین خاطر، حساسیت‌هایی که بسیاری از افراد نسبت به تولید یک فیلم سینمایی دارند، برای من وجود ندارد و من به زندگی با دیدگاهی راحت و آسان نگاه می‌کنم.

۵] یکی از موضوعاتی که امروزه در سینما شاهد آن هستیم این است که هزینه فیلمسازی بسیار بالا رفته و فیلمسازان جوان و فیلم‌اولی‌ها ناگزیرند برای ورود به دنیای سینما به ساختن فیلم‌های کمدی رو بیاورند. با توجه به این‌که اولین فیلم شما هم فیلمی درام بوده و بعد از آن رو به ساختن کمدی آوردید می‌خواستم بدانم آیا ورود شما به گونه کمدی هم ناشی از همین مسأله است یا خیر.

درباره من چنین موضوعی صدق نمی‌کند، چراکه من از ابتدا هم قرار نبود که فیلم «آپاندیس» را بسازم. درواقع پروانه ساخت فیلمی که به ارشاد داده بودم تمدید نشد و من آپاندیس را کارگردانی کردم. به‌هرحال آپاندیس فیلمی نیست که همین الان هم سلیقه من باشد؛ سلیقه سینمایی من همین فیلم شادروان یا فیلم شه‌سوار است.

